

یک ارزیابی کوتاه از خیزش مردم‌گوئی در ایران : گستاخانه



گذشت پنج روز از سیر وقایع ایران خطوط کلی زیر را تا حد روشنتر کرده است:

۱- هرکت افقی گسترش جنبش اعتراض بخش اعظم شهرهای نواحی غربی و شمال و جنوب را در برگرفته است. شهرهای کوچک و دور از مرکز که تا پیش از جنبش کنونی تکیه‌گاه اصلی حکومت قلمداد می‌شدند سر به عصیان برداشته‌اند. بخش‌هایی بزرگ از جمعیت شهرهای کوچک مناطق غربی که عموماً در بحران‌های سیاسی سال‌های گذشته شاهد حرکت خاصی از آنها نبوده‌ایم به طرز شگفت‌آوری به خیابان آمده‌اند. در این شهرها فاصله‌ی تغییر شکل فعالیت‌های اعتراض از تظاهرات خیابانی تا تسخیر و به آتش کشیدن مراکز حکومتی بسیار کوتاه است. تقریباً بخش سنتی جمعیت شهرهای کوچک نواحی غربی از لرستان و خوزستان و شهرهای معینی در آذربایجان شرقی و غربی و تا حدی کردستان به میدان آمده‌اند. ابتکارات مردمی در این مناطق شکل‌های گوناگونی یافته که همگی نشانه‌ی روحیه اعتراض شدید آنهاست. اما بخش شرقی به جز خراسان و اندک شهرهایی در سیستان ساکت مانده است. مراکز سنتی حکومت مانند کرمان، یزد نسبتاً آرام هستند. تهران پا یاخت با وجود تظاهرات‌های پیاپی و کوچک در مناطق مرکزی شهر منفعلانه شاهد این جدال است. تهران برخلاف همیشه مطلقاً پرچمدار و پیشاهنگ نیست.

۲- تفاوت چشمگیری در سطوح مختلف حرکت‌های مردمی دیده می‌شود: از

درگیری‌های شبانه و تظاهرات‌های پر جم روزانه تا تحصنهای و صدور بیانیه‌ها تا حمله به مراکز دولتی و در یک منطقه دستکم اقدام به تسخیر شهر (ایذه). گست چشمگیری از لحاظ سطح اعتراضات بین مناطق مختلف به وجود آمده است. این شکاف در حال گسترش است.

3- گست یادشده در سطح دیگری خود را نشان میدهد. در حالی که حرکت عمودی یعنی جلب توجه‌های مردم هنوز اوج کافی نگرفته، سطوح مبارزاتی دمادم در برخی مناطق بدون توجه به منطق حرکت در سایر نقاط رو به اوج است. در حالی که هنوز بخش‌های بزرگی از مردم در شهرهای بزرگ مانند تهران اصفهان تبریز و شیراز تصمیم نگرفته‌اند به این جنبش بپیوندند، در مناطق دیگر شاهد تغییر سطوح مبارزاتی تا سطح قیام شهری هستیم. این گست در سطح مبارزه خود را در گست آگاهی میان بخش‌های مختلف مردم نشان میدهد. فریاد شادی معترضان و اطمینان از پیروزی در شهرهای کوچک با ابراز یاس فعالین سیاسی شهرهای بزرگ از عدم شرکت عموم مردم نشانهی شکاف بزرگی در آگاهی معترضان است.

4- عدم حمایت اصلاح طلبان به ویژه در تهران و شهرهای بزرگ از جنبش مردم و اعلام برائت برخی از سردمداران این جریان و حتی فرمان به سرکوب آنها و سکوت تاییدآمیز رهبران دیگران دیگران عملای به تجزیه مهمی در جنبش اعتراضی انجامیده که روز به روز بیشتر خواهد شد. به نظر نمی‌رسد که جنبش اصلاح طلبی کوچکترین تمايلی به مشارکت و دخالت در وضعیت کنونی داشته باشد. جنبش اصلاح طلبی با سر خود را به دفاع از حاکمیت انداخته است و هیچ تمايلی به فاصله‌گرفتن از آن ندارد. از طرف دیگر جنبش کنونی نیز هیچ تمايلی به دعوت از اصلاح طلبان به پیوستن به این مبارزه را ندارد و از همان ابتدا خط خود را جدا کرده است. در تهران این شکاف بیش از هر جای دیگری خود را نشان میدهد. بخش از دانشجویان و کارگران و جوانان به رزم روزانه در خیابان‌ها مشغولند، در حالی که خیل عظیمی از اصلاح طلبان در مراکز فعالیت خود یعنی دانشگاه‌ها، مطبوعات، مراکز علمی و فرهنگی با کمال بی‌اعتنایی و حتی با استهzae و تحقیر به این جنبش می‌نگرند.

5- صرف‌نظر از اصلاح طلبان که نیروی سیاسی مهمی را تشکیل میدهد، جنبش کنونی سعی نمی‌کند نفوذ و گستره خود را در مناطق گوناگون تهییدستان و کارگری افزایش دهد. جدایی بخش اعظم طبقات زحمتکش شهری در شهرهای بزرگی مانند تهران، اصفهان و شیراز و تبریز عملای محدود شدن مبارزه بین دسته‌های پیشوای حکومت می‌شود و حکومت به سادگی می‌تواند پیکارگران کنونی را نماد منافعی جزئی و فرعی جا

بزند نه نمایندهی عمومی مردم.

6- ضعف بزرگ جنبش کنوی برای طرح خواستهای مشخص و معینی که بتواند سرلوحهی عمومی همه مبارزات منفرد در شهرهای گوناگون شود بیش از پیش تشدید شده است. شعارهای وحدت بخشی که خواست معینی را مطرح کنند غایب است و جای خود را به هزاران خواست متنوع داده است که در برخی مواقع متصادند: خواست بهبود وضعیت اقتصادی و فریاد ناشی از گرسنگی تا خواست سرنگونی لحظه‌ای. ضعف ساختاری و شکلگیری نهادهای مردمی در شکلهای گوناگون خود هنوز به قوت خود باقی است.

7- حکومت در ارائه راه حلی برای معضل کنوی به نحو شگفتانگیز ناتوانی خود را نشان می‌دهد. ارزان کردن تخم مرغ را به عنوان وعده بهبود وضعیت اقتصادی به مردم پیشکش کرده اند. هیچ سخنی از پس گرفتن بودجه‌ی ریاضتی کنوی (البته انساطی برای بخشها) از حکومت، هیچ تلاشی برای اعلام عملی دستگیری دزدان ثروت عمومی، هیچ وعده‌ای ناشی از بهبود چشمگیر معاش مردم داده نشد و کماکان مثل همیشه دست آهنی حکومت برای سرکوب اعترافات مردم بلند شده است. به نظر می‌رسد تا حدی از شوک اولیه خود را خارج ساخته‌اند و سیاست مرکز دستگیری وسیع و تعقیب فعالین دانشجویی، تمرکز فراوان نیروها در شهرها برای محدود کردن دامنه اعتراف، و ارعاب پیاپی فعالین را سیاست خود ساخته‌اند.

8- هنوز پیش‌بینی قطعی جدال کنوی نامیسر است. اما یک چیز مسلم است. ناتوانی حکومت در حل تضادهای ایجاد شده تنها به مدد ناتوانی توده‌های مردم در ایجاد هماهنگی ساختاری و هدفمند خود را پنهان کرده است اما زیاد طول نمی‌کشد که همگان بفهمند شاه برهنه است و آنگاه حتی سرکوب هم لباس مناسبی نخواهد بود.